

علت آنست که در سطح ماء قوه جاذبه تقریباً يك ششم جاذبه زمین و علت این هم آن است که ماه چندین برابر از زمین سبکتر است، اجرام و اجسام کوچک‌زیادی در فضا هستند که راجع بآنها بعداً شرحی خواهیم گفت بواسطه کوچکی آنها که طبعاً وزن آنها سبکتر است قوه جاذبه آنها آنقدر کمتر است که هر گاه یکنفر مثلاً از روی آنها بهوا جستن کند هیچوقت دیگر بآن جرم بر نخواهد گشت، یعنی آن جرم یا سیاره کوچک، اختیار و جاذبه‌اش از کفش خواهد رفت و آن شخص در فضا یرت خواهد شد تا شاید پس از سالیان دراز يك جسم یا جرم یا سیاره بزرگتر دیگری او را جذب کند.

ماه هوا ندارد. در این زمان ماه هوا ندارد. هر گاه در يك زمانی هوا داشته است آن هوا از ماه ناپدید شده و تمام شده است و هر گاه سبکی وزن ماه و در نتیجه کمی قوه جاذبه ماه را در خاطر داشته باشیم، تعجب نخواهیم کرد از اینکه ماه هوا ندارد. مولکولها، یعنی ذرات هوای ماه دائماً در حرکت هستند، و هر گاه هر يك از آنها در طبقات علیای هوا که در آنجا محتملاً با ذرات دیگر تصادم ندارند، در هر ثانیه هفت میل یا زیادتر، سرعت پیدا کنند (هفت میل در ثانیه، سرعت فرار از زمین است)، آن ذرات هوا بطرف فضا خواهند رفت و جاذبه زمین نخواهد توانست آنها را نگاهدارد یا بطرف زمین بر کر داند. هر گاه يك توپ بزرگی بتواند يك گلوله را با سرعت هفت میل در ثانیه پرتاب کند، آن گلوله دیگر بر زمین بر نخواهد گشت در ماه این قوه فرار يك میل و نیم در ثانیه است و هر گاه ماه هوایی داشته است پیداست که چقدر سهلتر از زمین از دست داده است.

هر چند پروفیسور «بیکرنیک» ادعا کرده که آثار نبات رادر بعضی از قسمتهای ماه پیدا نموده است که در نتیجه باید هوایی داشته باشد تا نبات بروید علمای هیئت انگلستان فرض او را نپذیرفتند و فعلاً عموم علمای هیئت اتفاق دارند که ماه بکلی فاقد هوا است ملاحظه و مطالعه هم این نظر را تأیید میکنند زیرا وقتیکه ماه بین ما و یکی از ستاره ها واقع میشود این ستاره در پشت ماه مدتی پنهان است. در هر مورد که ستاره‌ئی در پشت ماه پنهان می‌شود یعنی ماه حائل بین ما و ستاره میشود پنهان شدن ستاره فوری

و تمامی است در صورتیکه اگر هوایی داشت مقداری از نور ستاره حتی وقتیکه ستاره تماماً در پشت ماه میرفت بواسطه هوا منتشر و منعکس میشد.

و بنا بر این ستاره کم کم ضعیف و نا پدید میشدند آنکه یکدفعه ناپدید گردد. بنا بر این ماه يك دنیای مرده است و هرگاه يك وقتی حیات نباتی یا حیوانی در آن وجود داشته است چندین میلیون سال پیش رخت از آن کره بر بسته و رفته و تمام شده است.

این را نیز باید بیفزائیم که هیچگونه علامت و آثاری هم از آب و بخار در ماه دیده نمیشود چون هوایی نیست که قدری از حرارت آفتاب جلو گیری کند و بکاهد آن طرف ماه که با آفتاب روبرو میشود بسیار گرم می شود و حتی تخمین کرده اند که از آب جوش هم گرم تر می گردد و برعکس آنطرف دیگر که سایه است بسیار سرد و شاید مقدار زیادی بیش از صد درجه زیر صفر باشد.

ساختمان ظاهری و فیزیکی ماه - يك تلسکوپ کوچک یا حتی دوربینهای معمولی مقداری از زیبایی و قشنگی سطح ماه را نمایان میسازد که عبارت از سلسله کوههای لخت و جلگهها و از همه عجیب تر هزاران دهانه های آتش فشانی خاموش است این دهانه آتش فشانهای ماه که ما آنها را باین نام می نامیم هیچگونه شباهت و مناسبتی با دهانه آتش فشانهای زمین که نسبت بآنها کم و کوچک هستند ندارند. تا کنون نقشه متجاوز از سی هزار دهانه آتش فشانهای ماه را ترسیم کرده اند قطر دهانه آنها متفاوت است یعنی از يك صد و پنجاه میل تا یک ربع میل است و باید مقدار زیاد دیگری باشد که بواسطه کوچکی در تلسکوپهای بزرگ هم دیده نمیشود این نام یعنی دهانه آتش فشان شاید زیاد مناسب و بجا نباشد زیرا دهانه آتش فشان که می گوئیم دهانه یا چاه مانند در قله کوههای مخروطی که گاه گاهی مواد مذاب از آنها فوران می کند بخاطر می آورد در صورتی که این ها اینطور نیستند و مانند آتش فشانهای بزرگ در حقیقت جلگه های دیوار داری هستند که دیوار های آنها ده هزار الی بیست هزار پا از سطح عمومی ماه مرتفعتر است و داخل این دهانه یا جلگه بسیار از سطح ماه پائین تر یعنی بعضی تا سه میل از سطح ماه پائین تر است.